

بسمه تعالی

چکیده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر نجف لک زایی

در نشست بصیرت افزایی - جلسه دوم (۹۷/۱۲/۱۵)

در جلسه قبل به اینجا رسیدیم که؛ آنچه در تحلیل تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر مشاهده می شود، وجود چهار نیرو که از گذار در این تحولات می باشد.

۱. نیرو و جریان دینی و اسلامی (مهمترین نیرو)

۲. نیرو و جریان روشنفکری که در آغاز به آن منورالفکری می گفتند که بعداً روشنفکری ترجمه شد.

۳. نیرو و جریان دولت

۴. نیروهای بیگانه

مسئله ای که وجود دارد این است که هر کدام از این نیروها چه اهدافی را پیگیری کرده اند و چه دغدغه هایی داشته اند؟ مثال می زنم کدام یک دغدغه استقلال کشور باشد کدام نیرو به دنبال استقلال کشور بوده اند؟ بیگانگان در دوره های مختلف دوره قاجاریه، دوره پهلوی و حتی تا امروز در پی سلطه سرزمین ایران و به فکر منافع خودشان بودند.

اما نیروهای دینی، علماء و بزرگان دین، رهبران دینی حافظان استقلال ایران بودند.

مطالبات دیگری مانند عدالت، اسلام خواهی و بحث توسعه و پیشرفت نیز هست که در این جلسه به بحث توسعه و پیشرفت می پردازیم:

آفرینش انسان به گونه ای هست که در پی پیشرفت و کمال هستیم، از وضع موجود حرکت کنیم به سمت وضع مطلوب. لذا در جستجوی علم و کار و تلاش هستیم. اگر حس پیشرفت خواهی و کمال در وجود ما نبود هیچ اقدامی نمی کردیم. همین مطلب برای یک کشور هم مطرح است.

راه حلی در دوران قاجار که به ذهنشان رسید این بود گفتند ما نیرو بفرستیم غرب اینها آموزش ببینند برگردند. ما هم پیشرفته بشویم.

اما راهی که نیروهای مذهبی و نیروهای دینی مطرح شوند بحث بازگشت به اسلام بود که اگر ما بخواهیم پیشرفت بکنیم باید به اسلام بازگردیم! اسلام یعنی چی؟ اسلام یعنی چهار عنصر باید در جامعه تحقق پیدا کند:

۱. عنصر رهبری فعال شود.

۲. امت فعال شود (امت اسلامی).

۳. اسلام به طور کامل (به عنوان یک مکتب) معرفی شود.

۴. دولت اسلامی تشکیل شود.

در انقلاب اسلامی بود که برای اولین بار نیروهای مذهبی پیروز شدند، چون هم رهبری شکل گرفت (رهبری حضرت امام) هم امت شکل گرفت (مردمی که گوش به فرمان امام بودند) هم مکتب اسلام به شکل کامل مطرح شد. امام آمد ابعاد سیاسی اسلام را هم مطرح کرد و از حوزه های علمیه خواست که اسلام را به شکل کامل و جامع معرفی بکنند هم دولت تشکیل شد.

امروز در شرایطی هستیم که مقام معظم رهبری با چند طرح در حال تکمیل هستند. طرح اول، مراحل پنجگانه ایست که معظم له فرمودند.

برای تحقق اهداف اسلام در جامعه پنج کار باید صورت بگیرد:

۱. انقلاب اسلامی

۲. تشکیل نظام اسلامی

۳. تشکیل دولت اسلامی

۴. تشکیل جامعه اسلامی و ساختن جامعه اسلامی

۵. ایجاد تمدن نوین اسلامی و امت اسلامی

در ایران، مرحله اول و دوم انجام شد اما سه مرحله دیگر را با تلاش انجام دهیم. دولت سازی اسلامی و جامعه سازی اسلامی و تمدن سازی اسلامی.

اقدام دوم مقام معظم رهبری الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است این الگو هم ۵ قسمت دارد: مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر که افق دوباره بحث تمدن سازی اسلامی است. رسالت همان جامعه سازی، دولت سازی و تمدن سازی است.

افق، ۵۲ سال بعد هست چون از ۱۴۰۰ می‌خواهد اعمال بشود افق ۱۴۵۰ است رسالت ما می‌شود جامعه سازی، دولت سازی و تمدن سازی. آخرین قدمی که ایشان برداشتند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

در چهل سال اول آن چهل سال اول می‌شود گام اول این چهل سال هم بگوییم مرحله دوم و گام دوم. فرمودند در این مرحله هم باید اقداماتی صورت بگیرد.

سوال ۱: چه نیازی بود که مقام معظم رهبری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را ارائه بدهند؟

پاسخ: مهمترین کارویژه‌ی این بیانیه گام دوم اینست که ملت ایران را متوجه میکند به رسالت‌ها، آرمان‌ها و افق‌های پیشرو و همه نهادها و مراکز و سازمان‌ها را بسیج می‌کند برای اینکه ان شاءالله آن اهدافی که تعریف شده تحقق پیدا بکند.

سوال ۲: همانطور که فرمودید الان در مرحله دولت سازی هستیم در این مرحله چطور می‌توانیم با موانع توسعه و پیشرفت کشور مبارزه کنیم و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه باید متوجه مسئولین باشد یا مردم؟

پاسخ: در بحث دولت سازی چند نکته وجود دارد یک بحث در این مسئله، متوجه مراکز پژوهشی و آموزشی است که اصلا دولت اسلامی چیست؟! یکی از بحث‌هایی که ذیلش تبیین می‌شود بحث امر به معروف و نهی از منکر است.

اصل امر به معروف مربوط می‌شود به امر به معروف دولت. یعنی مردم باید حاکمان را امر به معروف و نهی از منکر کنند آن چیزی که در اسلام بوده این بوده آن امر به معروفی که از همه مهمتر بود در صدر اسلام این بود که مردم مراقب دولتمردان و کارگزاران باشند.

در اوایل انقلاب هم حضرت امام پیشنهادی داشتند که بعدا البته عملی نشد ایشان فرموده بودند ما به یک وزارتخانه امر به معروف و نهی از منکر احتیاج داریم که دولتی نباشد! یعنی به لحاظ سازمانی در حد یک وزارت خانه باشد و قدرت و تشکیلات داشته باشد اما دولتی هم نباشد. زیر نظر دولت نباشد تا بتواند دولت را امر و نهی بکند ولی آن زمان- طبق اسنادی که هست- از سوی دولت موقت کسانی می‌روند خدمت حضرت امام که این عملی نشود چون برای دولت زحمت ایجاد می‌شود و تعبیر هرج و مرج را بکار می‌برند و در نتیجه انجام نشد.

سوال ۳. نقش حوزه در جهت پیشبرد گام دوم انقلاب چیست و حوزه چه کار باید بکند و آیا فکر نمی‌کنید حوزه در این مسئله حالت انفعالی دارد؟

پاسخ: از آن چهار مسئله‌ای که من عرض کردم بحث معرفی کامل اسلام، وظیفه ذاتی حوزه علمیه است بنابراین در وهله اول باید یک بازخوانی داشته باشیم -جزء مطالبات مقام معظم رهبری هم هست که شما به مباحث فقه حکومتی بپردازید به مباحث علوم انسانی اسلامی بپردازید - دو کار در معرفی جامع اسلام مهم تر است:

اول: توانمندسازی علوم اسلامی است برای حل مسائل مورد نیاز. الان می‌خواهیم جامعه سازی کنیم لابد می‌دانید بخش عمده‌ی تحقیقاتمان همچنان متوجه مباحث فردی است یعنی تحقیقاتی که مربوط به جامعه سازی باشد همچنان در اقلیت است بنابراین یک بخش از فعالیت‌های حوزوی به توانمندسازی علوم اسلامی معطوف بشود. فقه ما توانمند شود کلام ما از رنجوری دربیاید، حکمت ما توانمند شود و بقیه رشته‌ها.

دوم: تلاش برای اسلامی سازی علوم انسانی است! ما یک علوم انسانی داشته باشیم متناسب با ارزش‌ها و قرآن و عترت.

یک بخش هم مربوط می‌شود به تربیت کادر و نیروهای مورد نیاز و دیگر وظایفی که حوزه‌ها دارند.